

## مدل انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی(ره)

عباس کشاورز شکری<sup>۱</sup>

زاهد غفاری هاشجین<sup>۲</sup>

معصومه شیخی<sup>۳</sup>

### چکیده

مقاله حاضر به بازسازی مدل انقلاب اسلامی در اندیشه‌های امام خمینی(ره) می‌پردازد. هدف این مقاله تجزیه و تحلیل اندیشه‌های امام خمینی(ره) در خصوص انقلاب اسلامی ایران و ترسیم مدل آن است. با توجه به اینکه امام خمینی(ره) دارای شخصیت منحصر به فرد و سازنده نظریه وایدئولوژی انقلاب اسلامی بوده اند، همچنین رهبری بسیج‌گر و مدیری توانا در همه عرصه‌ها محسوب می‌شدند، بررسی نظریه انقلاب اسلامی ایشان، ساختن مدل آن و در حقیقت نظریه‌پردازی بومی اهمیت و ضرورت تحقیق را نشان می‌دهد. روش گردآوری اطلاعات در این مقاله، روش کیفی از نوع تحلیل اسنادی و ابزار گردآوری، متن خوانی و فیش‌برداری است. منبع اصلی در این مقاله صحیفه امام(ره) است. ابتدا مبانی نظری و بحث‌های معرفت-شناسی اجتماعی و هستی‌شناسی بررسی می‌شود و سپس بر این مبنا بحث‌های بعدی یعنی علل معطوف به ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و علل معطوف به کارگزاران (رهبری و توده‌ها) ارزیابی می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که امام خمینی(ره) در قسمت معرفت‌شناسی اجتماعی درباره مسائل مرتبط با شناخت از جهان اجتماعی و در هستی‌شناسی اجتماعی درباره‌ی چیزهای که باید شناخته شود و موضوع و متعلق به شناخت اجتماعی هستند (یعنی جامعه و انسان) بحث می‌کنند. امام خمینی(ره) معتقدند که ساختارهای اساسی جامعه که شامل ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است، با تغییر و تحولاتی که در آن‌ها صورت گرفته، تأثیرات بسزایی در برپایی قیام مردمی داشتند. در دیدگاه ایشان عامل اساسی و بنیادین در اصلاح جامعه، فرهنگ و اصلاح فرهنگی جامعه است. همچنین علاوه بر ساختارها، عوامل کارگزاری شامل رهبران و توده‌های مردم از دیدگاه امام خمینی(ره) بررسی شده و در پایان تلاش شده مدل موردنظری ایشان در باره انقلاب اسلامی ترسیم شود.

**کلید واژه‌ها:** امام خمینی(ره)، مدل، نظریه و انقلاب اسلامی.

**Email:** keshavarz@shahed.ac.ir

**Email:** ghafari@shahed.ac.ir

**Email:** masomehshikhy@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۷

۱- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد(نویسنده مسئول)

۲- استادیار علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد

۳- دانشجوی کارشناسی‌ارشد دانشگاه شاهد

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۷

### مقدمه

انقلاب و تحولات اجتماعی همواره در جوامع بشری حادث شده و آدمی برای تغییر وضع موجود تا رسیدن به وضع مطلوب همواره در تلاش و کوشش بوده است. انسان برای رسیدن به این کمال نیازمند محیط اجتماعی مطلوب و متکی بر قوانین الهی بوده است. این کمال‌جویی و خداجویی فطری انسان پایه و اساس همه حرکات و جنبش‌ها و انقلاب‌ها بوده است. در طول تاریخ همواره جنبش‌ها و حرکت‌ها علیه بی‌عدالتی و رفع ظلم و ستم صورت گرفته است. در واقع می‌توان گفت یکی از هدف‌های اصلی انقلاب‌ها مبارزه با بی‌عدالتی و ایجاد جامعه‌ای آرمانی است. انقلاب وسیع‌ترین و سریع‌ترین دگرگونی در یک جامعه است که هم حاصل دگرگونی وهم عاملی برای دگرگونی‌های بعدی است.

برای توضیح و تبیین انقلاب‌ها از چهارچوب‌ها و مدل‌های نظری استفاده می‌شود. نظریه‌ی انقلاب مجموعه منسجمی از گزاره‌های علل، فرایند و روند انقلاب‌هاست. مطالعه‌ی نظام‌مند انقلاب در مفهوم جدید آن در سده‌ی نوزدهم میلادی آغاز شده است. پس از آن نظریه‌های مختلفی برای تبیین پدیده انقلاب به‌وجود آمده که هر کدام از دیدگاه خاص به این پدیده می‌نگرند. در واقع نظریه‌های انقلاب علل وقوع و پیشرفت انقلاب را در مراحل مختلف بررسی و مسائلی که در هر مرحله وجود دارد، مطرح و تبیین می‌کنند (پناهی، ۹۹، ۳۲۴).

اغلب رهبران انقلاب‌های بزرگ، نظریه‌پردازان آن انقلاب‌ها نبوده‌اند. اما در انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره) نه تنها انقلاب را هدایت و راهبری کردند، بلکه نظریه‌پرداز بزرگ آن نیز بودند لذا بررسی نظریه‌ی انقلاب اسلامی ایشان از اهمیت و ضرورت ویژه‌ای برخوردار است.

اما باید توجه داشت که امام خمینی(ره) ضمن مکتوبات، سخنان و رهنمودهای خود خطوط کلی نظریه انقلاب اسلامی را تبیین ساخته‌اند، اما آن را به‌صورت نظریه‌ای ساختارمند و منسجم قالب‌بندی نکرده‌اند. این مقاله درصدد است تا با توجه به نظریه انقلاب اسلامی ایشان که از خلال اندیشه‌هایشان بازسازی می‌شود، مدلی منسجم و ساختارمند مطرح کند.

### الف- مبانی نظری و روش

مبانی نظری انقلاب اسلامی امام خمینی(ره) ریشه در معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی ایشان دارد که هردوی این‌ها نیز از جهان‌بینی اسلامی نشأت می‌گیرد. در این قسمت به توضیح هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی ایشان می‌پردازیم:

در اندیشه‌های امام خمینی(ره) در قلمرو معرفت‌شناختی دو روش عقلی و نقلی مطرح است. امام با روش عقلی در پی شناخت پدیده‌های اجتماعی است. ایشان در روش عقلی از قضایا و استدلال‌های عقلانی برای تبیین مسائل مختلف و به‌خصوص مسأله ولایت فقیه استفاده کرده است. ایشان در این روش به دلایل و براهین نبوت، امامت و ضرورت حکومت و رهبری در جامعه استناد داشتند. اما در بحث روش نقلی امام(ره) با استفاده از آیات قرآنی و روایات دلایل لزوم انقلاب سیاسی را بیان می‌نماید. امام(ره)

به ویژگی‌های چون انسان‌سازی، ابزار تحرک، تزکیه نفوس و غیره اشاره کرده و با استناد به آیات قرآن به ضرورت استمرار احکام اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی و لزوم انقلاب سیاسی و قیام به قسط برای برپایی نظام و حکومت اسلامی اذعان کرده‌اند. اما در بررسی روایات، از روایات مختلفی چون خطبه حضرت زهرا(س) و روایت حضرت علی(ع) و روایتی از امام رضا(ع) به لزوم برقراری وحدت اسلامی و سرنگونی حکومت‌های ظالم و لزوم نجات مردم مظلوم و محروم و تشکیل حکومت اسلامی اشاره داشته، و همچنین با بیان روایات مختلفی از ائمه و غیره دلایلی نقلی را برای ولایت فقیه بیان نمودند.

امام خمینی(ره) در مبانی هستی‌شناختی، ویژگی‌ها، ابعاد، جایگاه و قلمرو آزادی انسان به‌عنوان کنشگری اجتماعی را بررسی کرده‌اند. امام(ره) ویژگی‌های ذاتی انسان و ویژگی‌های اکتسابی را مطرح می‌کنند. همچنین انسان را موجودی دوبعدی می‌داند و او را خلیفه خدا بر روی زمین معرفی می‌کند. ایشان در مورد آزادی انسان، دو آزادی فلسفی و حقوقی را بیان می‌کنند.

از دیگر مباحث هستی‌شناسی امام خمینی(ره) بحث جامعه و ویژگی‌های آن است. در این بحث ویژگی‌های جامعه سالم، نقش فرد در جامعه و راه‌های اصلاح جامعه مدنظر ایشان بوده است. ایشان براندازی رژیم شاه را وسیله‌ای برای ایجاد تغییرات اساسی در جامعه می‌دانستند. همچنین به تحولات اجتماعی پرداخته و در نهایت اهداف تغییرات را به‌دست آوردن استقلال، آزادی و رهایی از اختناق و غیره می‌دانند.

در این پژوهش روش انجام تحقیق کیفی و از نوع تحلیل اسنادی است، که با بررسی کتب، آثار و متون تاریخی، همچنین بررسی اسناد مختلف مرتبط با موضوع انجام خواهد شد و داده‌های حاصل با تکنیک‌های تحلیل کیفی، جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تحلیل شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش مطالعه کتابخانه‌ای که شامل متن‌خوانی، فیش‌برداری، سندخوانی همچنین از طریق جستجو در اینترنت بوده است.

## ب- علل انقلاب اسلامی در اندیشه‌های امام خمینی(ره)

### ۱- علل ساختاری انقلاب اسلامی

امام خمینی(ره) در علل معطوف به ساختار به چگونگی تأثیرگذاری ساختارهای اجتماعی بر وقوع انقلاب اسلامی اشاره داشتند. امام(ره) معتقدند که ساختارهای اساسی جامعه که شامل ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است تأثیرات بسزایی در برپایی قیام مردمی و پیروزی انقلاب اسلامی داشته است.

#### ۱-۱ علل ساختاری فرهنگی

از نظر امام(ره) فرهنگ بزرگ‌ترین مؤسسه‌ای است که ملت را یا به تباهی می‌کشد یا به اوج عظمت و قدرت می‌رساند(امام خمینی(ره)، ج ۶، ۱۳۶۹: ۲۵۲). به‌نظر امام مهم‌ترین ویژگی لازم و ضروری برای این مؤسسه عظیم و مهم استقلال آن است. لذا ایشان فرهنگ وابسته به غیر را یک فرهنگ ناسالم و انگل معرفی می‌نماید. این همان فرهنگی است که تحت سلطه و هجوم بیگانگان و قدرت‌های استکباری شکل

گرفته و با نقشه دیگران ساخته می‌شود و بر جامعه یا جوامعی تحمیل می‌شود (یزدانی، ۱۳۷۶: ۳۲).

تعریف امام(ره) از فرهنگ، تعریف انضمامی و مصداقی است که از جمله مصداقی و عناصر فرهنگی عبارتند از: دانش، ادب، تعلیم و تربیت، اعتقادات، اخلاق و عمل، گرایش‌های فکری، هنرهای، باورها، ارزش‌ها، برداشت‌ها، هنر، اجتماع و قواعد آن‌ها در جامعه. با توجه به این موارد می‌توان گفت که بخش غیرمادی فرهنگ برای امام (ره) اهمیت بیشتری دارد (محبوبی‌منش، ۱۳۸۰: ۱۷۷۳).

در دیدگاه امام(ره) عامل اساسی و بنیادین در اصلاح جامعه فرهنگ و اصلاح فرهنگی است: «رأس همه اصلاحات، اصلاح فرهنگ است» (خمینی، ج ۵۵، ۱۳۶۹: ۱۰).

«راه اصلاح یک مملکتی، فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع شود... اگر فرهنگ

درست بشود، یک مملکت اصلاح می‌شود» (همان، ج ۹۷: ۱).

«بزرگ‌ترین تحولی که باید بشود، در فرهنگ باید بشود. باید فرهنگ را یک جوری درست بکنید،

فرهنگی را یک جوری بار بیاورید که برای ملت شما مفید باشد» (همان، ج ۶: ۲۹۲).

در حقیقت از دیدگاه امام(ره) تحول فرهنگی و روحی مقدم بر تحول مادی و استقلال فرهنگی مقدم بر

استقلال در سایر ابعاد است و امام(ره) تحول فرهنگی را منوط بر رهایی از وابستگی فکری و فرهنگی می‌داند.

آنچه از اندیشه‌های امام(ره) می‌توان دریافت آن است که اصلاح فرهنگی شامل این موارد می‌شود:

ترویج فرهنگ اصیل اسلامی در جامعه و دعوت مردم به راه مستقیم (صراط مستقیم)؛ تکیه بر مبانی مذهبی و بیداری و آگاهی ملت با نشر کتب اسلامی و انقلابی؛ تشکیل اجتماعات مردمی در مساجد و برگزاری و شرکت در مراسم مذهبی؛ اصلاح مراکز آموزشی با پاک‌سازی مدارس آموزش و پرورش از فرهنگ استعماری؛ اسلامی کردن دانشگاه و پیوند آن با حوزه و اصلاح حوزه‌ها از مقدس‌نماها و روحانی-نماها؛ مبارزه با مراکز فساد با امر به معروف و نهی از منکر و قیام در مقابل انحرافات ناشی از وابستگی فرهنگی و قطع وابستگی؛ و در نهایت جامعه‌ای متشکل از افرادی با هویت حقیقی و متناسب با فرهنگ اسلامی و در واقع افرادی سالم با تغییر باورها و ارزش‌ها صحیح اسلامی که از لحاظ ذهنی و عینی به آگاهی انقلابی دست یافته باشند.

رسالت اولیه امام خمینی(ره) در سال‌های اول شروع مبارزه، آگاهی‌دادن به مردم و ایجاد تحول در فکر

و ذهن آحاد جامعه بود تا با طرد ارزش‌های غربی، به سوی باورها و اعتقادات دینی و بومی خویش رجعت

کنند و با زدودن گرد و غبار از خودبیگانگی و خودباختگی در مقابل فرهنگ غربی از چهره‌ی فرهنگ و

اندیشه‌ی خویش، خودباوری و اعتماد به نفس را جایگزین آن کنند. به بیانی بهتر همان‌گونه که پیامبر

گرامی اسلام(ص) با بهره‌گیری از قدرت معنوی و زمینه‌های سیاسی و دینی، مدیریت فرهنگی زمان

خویش را تحقق بخشید و با متحول کردن انگیزه‌ها و اهداف عرب جاهلی، به آن جهت معنوی داد و جامعه را بر مبنای ارزش‌های الهی احیا کرد (قائدان، ۱۳۸۵: ۳۸).

«ما موظفیم شرایط اجتماعی مساعد برای تربیت افراد مؤمن و با فضیلت فراهم سازیم و این شرایط درست ضد شرایط حاکمیت طاغوت و قدرت‌های ناروا است.... ما چاره‌ای نداریم جز این که دستگاه‌های حکومتی فاسد و فاسدکننده را از بین ببریم و هیأت‌های حاکمه خائن، فاسد، جائزاً سرنگون کنیم این وظیفه‌ایست که همه مسلمانان در یکایک کشورهای اسلامی باید انجام بدهند و انقلاب سیاسی را به پیروزی برسانند» (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۴۰).

امام خمینی(ره) اصلاح فرهنگ جامعه را از مراحل ابتدایی شکل‌گیری هویت شخصیتی افراد، واجب و لازم می‌داند «اصلاح فرهنگ و از آن جمله اصلاح مراکز از دبستان تا دانشگاه را جدی بگیرید و با تمام قوا در سد راه انحراف بکوشید.... همه باید به مقدار توان خویش در این امر حیاتی کوشش نماییم تا خون جوانان برومند مجاهد و کوشش ملت و مجاهدت بی‌دریغ آنها هدر نرود» (امام خمینی، ۱۳۶۹). همچنین از نظر امام خمینی(ره) وسایل ارتباط جمعی می‌توانند به‌عنوان مراکز آموزشی به تربیت نسل جوان و هم‌عناصری برای تبلیغات در جهت ارائه تبلیغات چه مثبت و چه منفی باشند.

«مطبوعات که حامل پیام ملت و حامل پیام اسلام باید باشد و مبلغ احکام اسلام و مجری احکام اسلام و مذهب جامعه باید باشند و اخلاق را در جامعه باید پخش بدهند- اخلاق الهی را- در زمان طاغوت، درست برعکس همه این معانی، مأموریت داشتند که کشور ما را با آن تبلیغات دامنه‌دار این رسانه‌های طاغوت، تمام مسائل اسلامی و تمام مسائل کشوری را به طرف منافع طاغوتی سوق دهند. صدمه‌ای که اسلام از مبطوعات و رسانه‌های طاغوتی خورد از کمتر دستگاه‌ها خورد... این مجلات بود و این مطبوعات و این رادیو و تلویزیون و تمام این رسانه‌های گروهی بود که جوان‌های ما را به جای اینکه به طرف دانشگاه بکشد، به طرف علم و ادب بکشد، به طرف فساد کشاند (همان، ج ۱۶: ۲۲۷).

## ۲-۱ علل ساختاری اجتماعی

### ۱-۲-۱ افزایش نارضایتی

اوضاع اجتماعی کشور در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب از نظر امام(ره) به این صورت بود که در آن دوران پیشرفتی وجود نداشته است. اکثر جمعیت، روستایی و در محرومیت به سر می‌بردند و شکاف طبقاتی در شهرهای بزرگ بیداد می‌کرد و با زاغه‌نشینی همراه بوده است. امام(ره) به دنبال اصلاحات بود و رأس اصلاحات اجتماعی را اصلاح وضع فقرا می‌دانست و یکی از دلایل اصلی فقر و محرومیت را اسراف و ولخرجی‌های هیأت دولت می‌دانست که با تأثیرپذیری از فرهنگ غرب و ترویج آزادی وارداتی، موجب گسترش کاباره‌ها، میخانه‌ها و قمارخانه و در نهایت فساد و تباهی جوان‌های کشور شده بود. شاه و دولت با وارد کردن کالاهای تجملی که به مصرفی بار آوردن خانواده‌ها کمک می‌کرد و همچنین تبلیغ و جایگزینی فرهنگ ایران باستان به‌جای فرهنگ اسلامی و اسلام‌زدایی و ظلم و بی‌عدالتی گسترده در سراسر کشور شرایط را برای بروز نارضایتی عمومی مردمی به‌وجود آوردند.

«خیال می‌کنید این هیاهویی را که در رادیو راه می‌اندازند راست است؟! شما خودتان بروید از نزدیک ببینید که، مردم با چه وضعی زندگی می‌کنند! در هر صدا، دوستان، دویست تا «ده» یک درمانگاه وجود ندارد، برای بیچاره‌ها و گرسنه‌ها فکری نشده است، مهلت هم نمی‌دهند که اسلام آن فکری را که برای فقرا

کرده عملی کند. اسلام مشکل فقر را حل کرده و در رأس برنامه خود قرار داده است: «انما الصدقات للفقراء...» اسلام توجه داشته که باید اول کار فقرا را اصلاح کرد، کار بیچاره‌ها را اصلاح نمود، لکن نمی‌گذارند که عملی شود.

ملت بیچاره در حال فقر و گرسنگی به سر می‌برد و هیأت حاکمه ایران هر روز آن همه مالیات را از مردم گرفته صرف ولخرجی‌های خود می‌کند، طیاره فانتوم می‌خرد تا نظامیان اسرائیل و عمال آن در کشور ما تعلیمات نظامی ببینند...» (همان، ج ۵: ۲۸۲).

از نظر امام (ره) انقلاب سفید یک انقلاب استعماری و دستوری بود و آن را توطئه حساب شده علیه اسلام و ملت اسلام و استقلال ایران می‌دانستند، چرا که باعث مسلط شدن آمریکا و صهیونیسم بر کلیه ابعاد تجاری، صنعتی، زراعی، فرهنگی، نظامی، سیاسی و وابستگی هر چه بیشتر به بیگانه می‌شد. امام (ره) همچنین اصلاحات ارضی را پدیده‌ای وارداتی و «تز آمریکا و برنامه‌ای برای از بین بردن کشاورزی ایران و تحمیل اقتصاد تک‌محصولی بر جامعه‌ها» می‌دانستند (خمینی، ج ۱: ۱۲۱) و آن را به معنای «بازار درست کردن برای آمریکا و شعب آمریکا...» (همان، ج ۱۶۸) توصیف می‌کردند که به وابستگی ایران منجر شده است. از دیگر نتایج این انقلاب از دیدگاه امام (ره)، خرد کردن حیثیت کشور و بر باد دادن استقلال قضایی با مصونیت بخشیدن به نظامیان آمریکایی و در نهایت محروم کردن ملت از حقوق اجتماعی بود که موجب افزایش هر چه بیشتر نارضایتی‌ها شده بود.

## ۲-۲-۱ بسیج گروه‌های اجتماعی

امام (ره) اسلام را منشأ بسیج مردم می‌دانستند. از نظر امام (ره) اسلام است که همه قشرها را به هم پیوند می‌دهد و یک بسیج عظیم را درست می‌کند و بر این اعتقاد بودند که اکثر گروه‌ها و اقشار از جمله روحانیون، دانشگاهیان، پزشکان، مهندسين، کارمندان، بازاری‌ها و زنان با تحول روحی که اسلام درون آنها ایجاد کرده بسیج شده و به مشارکت سیاسی پرداخته و سهم زیادی در بسیج و پیروزی نهضت داشتند. از نظر امام (ره) آنهایی که نهضت را به ثمر رساندند طبقه محروم متشکل از زنان و مردان بایمان بودند که به خیابان‌ها ریخته و بر ضد رژیم شاه برخاستند.

همچنین از نظر امام (ره) رهبران مذهبی و روحانیون با تشکیل اجتماعات در مساجد خصوصاً در ماه‌های محرم و رمضان و با آگاهی‌دادن به مردم و هوشیار کردن آنها نسبت به اوضاع حاکم بر جامعه و فساد و تباهی فرهنگ و اختناق و اوضاع نابه‌سامان اجتماعی و استبداد حکومت و با ایجاد وحدت کلمه بین اکثر اقشار مردمی، به بسیج همگانی اقشار مختلف مردم پرداخته و درصدد سرنگونی رژیم شاه برآمدند.

امام خمینی (ره) در فرازی در این باره می‌فرماید:

«اسلام است که همه قشرها را به هم پیوند می‌دهد و یک همچو بسیج عمومی درست می‌کند! قضیه بسیج همان مسأله‌ای که در صدر اسلام بوده است وقتی جنگ می‌شد، طوایف مختلف می‌آمدند و به جنگ می‌رفتند و این مسأله جدیدی نیست و در اسلام سابقه داشته است... در کشور ما وقتی مسأله، مسأله اسلام و فداکاری‌های در راه اسلام است، مردم همه حاضرند، چون مردم ما می‌دانند درصدد اسلام خود پیغمبر و ائمه آن طور فداکاری کردند و مسلمین صدر اسلام با آن که عددشان کم بود آن‌گونه

فعالیت کرده و جنگ کردند و کشور ما بحمدالله به حسب نوع و اکثریت غالب افراد این احساس را دارند که برای اسلام و کشورشان خدمت کنند(امام خمینی(ره)، ج ۱۹: ۲۲۱، ۲۲۰).

### ۳-۱-۱ علل ساختاری سیاسی

از نظر امام(ره) ساختار سیاسی در زمان شاه استبدادی، خودکامه و دیکتاتور بود و شکل حکومت سلطنتی که در آن ظلم و فساد در تمامی ابعاد وجود داشت، سراسر کشور را در بر گرفته بود. از نظر امام(ره) شاه با سیاست اسلام‌زدایی درصدد تضعیف اسلام و ترویج اندیشه جدایی دین از سیاست و منزوی کردن روحانیون بود. همچنین حکومت بی‌اعتنا به مردم، و تفاهمی بین دولت و ملت وجود نداشت.

### ۳-۱-۲ خودکامگی و اختناق

منظور از دیکتاتوری، خودکامگی و استبداد، فرد و یا ساختار سیاسی حاکم بر جامعه است که اعتنایی به خواست، رأی و مصلحت مردم نداشته باشد و به اتکای قدرت نظامی و دستگاه اداری بر مردم حکومت کند(جعفری، ج ۳، ۳۳۵-۳۳۶). در این صورت از جانب هیأت حاکم سیاسی بر مردم ظلم می‌شود؛ تعدی به حقوق انسان‌ها؛ جو خفقان و رکود فکری وجود دارد؛ حاکم خود را هدف می‌بیند و دیگران را وسیله قرار می‌دهد و با آزادی، تفکر و احساسات مردم بازی می‌کند (امام خمینی(ره)، ج ۱: ۱۳۶۹، ۲۳۹).

در نظر امام خمینی(ره)، سیاست، روابط میان حاکم و ملت، روابط مابین حاکم با سایر حکومت‌ها و جلوگیری از فساد است (همان، ۱۳۳). ایشان فساد دستگاه سیاسی و اختناق و دیکتاتوری را بیشترین فساد در جامعه می‌داند و می‌نویسد: «الخائن خائف، یعنی خائن از ترس خود آزادی نمی‌دهد» (همان، ۱۰۸). در اندیشه استبدادستیزانه امام(ره)، مجلس شاه، غیرواقعی و قانون او نیز غیرواقعی است (همان، ۱۶۸). وی شدیداً به شاه حمله، نموده و او را استیضاح می‌کند و دولت خودکامه او را سر منشأ تمامی مفاسد و مشکلات می‌داند.

### ۳-۲-۱ قانون ستیزی

امام (ره) در پیام‌ها و سخنان بسیاری از تأثیر تعهد به قانون در پیشرفت زندگی سخن راندند و بی-قانونی را سبب همه مفاسد اجتماعی می‌دانستند:

«در کشوری که قانون حکومت نکند خصوصاً قانونی که قانون اسلام است این کشور را نمی‌توانیم اسلامی حساب کنیم (همان، ج ۱۴: ۲۶۸).

«در اسلام قانون حکومت می‌کند. پیغمبر اکرم(ص) هم تابع قانون بود؛ تابع قانون الهی، نمی‌توانست تخلف بکند» (همان، ج ۱۰: ۲۹).

«آن حکومتی که تمام قوانین بشری را، تمام قانون عالم را زیر پا بگذارد و هر جور دلش بخواهد با یک ملتی عمل بکند ما با او مخالفت داریم. ما می‌خواهیم یک حکومتی باشد مثل حکومت اسلام که غیر از قانون هیچ چیز حکومت نکند، هیچ، قانون فقط حکومت بکند» (امام خمینی(ره)، کوثر، ج ۲: ۲۱۵).

### ۳-۳-۱ نبود آزادی‌های سیاسی

در نظر امام خمینی(ره) آزادی دارای جایگاه والایی است. آزادی حقی اولیه، طبیعی و خدادادی است. این حکومت‌ها نیستند که به مردم آزادی اعطا می‌کنند، بلکه آفریدگار انسان او را آزاد آفریده و به او آزادی اعطا فرموده است. حکومت‌ها نه به شهروندان آزادی داده‌اند و نه می‌توانند آن را نادیده بگیرند. آزادی حقی است خدادادی که حکومت‌ها موظف به رعایت و پاسداری از آن هستند(حیدری، ۱۳۷۸: ۱۲۰).

امام خمینی(ره) همواره از محدود کردن آزادی‌های سیاسی اجتماعی به شدت انتقاد می‌کرد و معتقد بود رژیم با جلوگیری از آزادی‌های سیاسی، در فکر حذف روحانیت به‌عنوان مهم‌ترین مانع در راه اهداف استعماری خود است(فوزی، ۲۹۶: ۱۳۸۰). امام(ره) همچنین معتقد است یکی از عوامل بروز قیام همانا اعتلای شعور سیاسی مردم، بیداری ملت، تحول مردم و بالارفتن فهم سیاسی آنان و نارضایتی عامه‌ی مردم از فقدان آزادی‌ها و حقوق مشروع بوده است. به‌خاطر بالارفتن شعور و آگاهی‌های مردم از یکسو و فقدان پایگاه مردمی رژیم شاه و نبود آزادی و مشارکت سیاسی از سوی دیگر بود که مردم انقلابی ایران دست به قیام اسلامی زدند تا به حقوق و آزادی‌های شرعی خود دست یابند(دهشیری، ۱۳۸۰: ۵۵-۵۶).

### ۳-۳-۲ جدایی حکومت از مردم

امام(ره) در زمینه جدایی حکومت شاه از مردم می‌فرماید:

«اگر یک کشور بخواهد یک کشور سالمی باشد باید بین دستگاه حاکمه با ملت تفاهم باشد، مع الاسف در رژیم‌های شاهنشاهی و به خصوص در رژیم اخیر، این معنا عکس بود، یعنی دستگاه حاکمه در یک قطب واقع شده بود و ملت هم در یک قطب. این دستگاه حاکمه کوشش می‌کرد با ارباب، فشار، آزار، شکنجه، حبس و امثال اینها با ملت رفتار کند و ملت هم اگر زور نداشت کوشش می‌کرد که مالیات نپردازد، از زیر بار همه چیز در برود، هر چه بتواند کارشکنی کند برای دولت و از این جهت شکاف بین مردم و دولت حاصل می‌شد و دولت هم هیچ پشتیبان نداشت و دستگاه حاکمه، یک امر (به خیال خودش) مستقلی بود که هیچ ارتباطی با ملت نداشت، ملت هم به او هیچ اعتماد نداشت. او را دشمن خودش می‌دانست و با پایگاه نداشتن در پیش ملت ناچار باید کنار برود...»(امام خمینی(ره)، ج ۷: ۱۳۶۹، ۱۶۹).

### ۳-۳-۳ وابستگی نظام سیاسی به بیگانه

در نگرش امام(ره) توجه به خطر استعمار در کشورهای اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. این نگرش از یک پیش فرض دیگر در اندیشه‌ی امام(ره) ناشی می‌شود و آن تقسیم جهان به دو بخش دارالسلام و دارالکفر است که براساس آن دارالکفر همواره در ستیز برای محو دارالسلام است. تجربیات تاریخی و تحمیلات قدرت‌های بزرگ بر کشورهای اسلامی این پیش فرض را تقویت کرده است، به طوری که برخورد مسلمانان با کشورهای غیراسلامی نوعی برخورد احتیاط‌آمیز بوده و حفظ هویت و تمامیت دارالسلام در مقابل فشارهای جهان کفر و استعمار مهم‌ترین دغدغه‌ی ذهنی آنان به شمار می‌رفته است. امام(ره) در بسیاری از سخنان خود همواره از قدرت‌های بزرگ به‌عنوان قدرت‌های استکباری و استعماری یاد می‌کند که هدف آنها را سلطه بر ذخایر مملکت اسلامی، اسارت ملت مظلوم ایران، محو قرآن، اسلام و علمای



اسلام، نابودی ملت اسلام و کشورهای اسلامی، ایجاد تفرقه میان مسلمانان است (بی‌نا، دفتر ۱۶، ۱۳۶۱: ۳۵-۳۹).

### ب- علل کارگزاری انقلاب اسلامی

در این بخش به بررسی علل معطوف به کارگزاران اجتماعی انقلاب اسلامی در اندیشه‌های امام خمینی(ره) پرداخته می‌شود. در این خصوص ابتدا به رهبران به‌عنوان یکی از عوامل کارگزاری و بعد هم به نقش توده‌ها خواهیم پرداخت.

#### ۱- نقش رهبری امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره)، آرمانی را به‌عنوان نقطه مطلوب جنبش خود برگزید و آن ساقط کردن رژیم سلطنتی و تشکیل حکومت اسلامی بود. تشکیل حکومت اسلامی در قیام‌های پیشین به‌عنوان هدف مطرح نبود. البته عدم رویارویی با اصل نظام سیاسی در دوره‌های گذشته به معنای مقبول یا مشروع قلمداد شدن آن از سوی روحانیت نبوده، بلکه در دوره‌های قبلی، روحانیت دستیابی به این هدف را ممکن و محتمل نمی‌انگاشته است (پارسانیا، ۱۳۷۹: ۳۰۴).

یکی از خصوصیات برجسته امام خمینی(ره) «ایمان قاطع» و «باور تزلزل‌ناپذیر» ایشان بود، روحیات و تصمیم‌سازی‌های وی، تأثیر مستقیم و انکارناپذیر بر روند نهضت اسلامی و پیروزی انقلاب اسلامی داشته است. آیت‌الله شهید(مطهری)، رهبری امام خمینی(ره) در انقلاب اسلامی را «پیامبرگونه» توصیف کرده و آن را از تیپ و گونه‌ی رهبری پیامبران الهی دانسته است. امام خمینی(ره) توانست احساس خداجویی و خداپرستی را در فطرت هر فرد نهفته است بیدار سازد و توده‌های مردم را در همین امتداد به حرکت درآورد. از این رو، ویژگی‌های شخصیتی جذاب و برجسته امام(ره)، اگرچه در قرارگرفتن ایشان در جایگاه رهبری و گراییدن مردم به ایشان بی‌تأثیر نبود، اما نقش کانونی و اصلی را برعهده نداشتند (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۲، ۱۳۹).

شهید مطهری در تحلیل خود از علل گراییدن توده‌های مردم به امام خمینی(ره) و مقبولیت اجتماعی ایشان، بر روی ساختار فرهنگی و تاریخی، تأکید می‌کند و می‌گوید:

«علت این که امام خمینی(ره) رهبر بلامعارض و بلامنازع این نهضت شد این است که علاوه بر این که واقعاً شرایط مزایای یک رهبر از قبیل صداقت، روشن‌بینی، شجاعت، قاطعیت و... در فرد ایشان جمع بود، ایشان در مسیر فکری و روحی و نیازهای مردم ایران قرار داشت که دیگران در این مسیر قرار نداشتند» (مطهری، ۱۳۷۸ الف: ۸۶).

امام خمینی(ره) نیز به‌عنوان یک مرجع دینی و رهبر انقلابی، ثابت کرد که اسلام هم می‌تواند خط فکری لازم را در اختیار مخالفان رژیم پهلوی قرار دهد (رایت، ۱۳۸۲: ۳۱). ایشان از یک سو به بسیج توده‌ها و سازماندهی مبارزه سیاسی اقدام کرد و از سوی دیگر، پردازشگر اصلی ایدئولوژی انقلابی مبتنی بر اندیشه سیاسی اسلام و بنیانگذار نظام نوینی محسوب می‌شد که با پیوند دادن مبارزه انقلابی به مذهب شیعه، توانست توده‌ها را در راستای سرنوینی نظام

مستبد پهلوی بسیج کند (ایمان پور، ۱۳۸۷: ۱۷۸) و با احیا و بازیافت مجدد جاذبه ارزش‌های دینی، مردم را به سوی خویشن اصیل خویش فرا خواند (اکبرزاده، ۱۳۸۰: ۱۸۶).

### ۱-۱ امام خمینی (ره) ایدئولوگ انقلاب اسلامی

ایدئولوژی انقلاب اسلامی از نظر مینا یک ایدئولوژی درون‌زا و دارای اصالت فرهنگی و بسیار فراگیر و در برگیرنده‌ی بیشتر نزدیک به همه مردم ایران است (ملکوتیان، ۱۳۸۹: ۲۹۰). به‌طور کلی از عواملی که در پذیرش همگانی و فراگیر شدن ایدئولوژی انقلاب اسلامی نقش داشتند: عبارتند از: ۱- بومی و درون‌زا بودن و پیوند آن با فرهنگ اسلامی - تاریخی مردم؛ ۲- تلاش‌های گروه‌های اسلامی در زدودن شبهات از اذهان و طرح معنای انقلابی مفاهیم اسلامی؛ ۳- شخصیت، اندیشه‌ها، افکار، راهبردها و عملکردهای امام خمینی (ره) و ۴- اعتماد توده‌ها و نخبگان به امام خمینی (ره) و روحانیت و اندیشه‌های آنان. ویژگی‌های مشخص ایدئولوژی امام عبارتند از:

- بنیادنگری و نفی کامل نظم موجود: امام به‌طور مستقیم به نفی کامل نظام سلطنتی اشاره داشتند؛  
 - تکیه بر مذهب: ویژگی دوم ایدئولوژی امام، تأکید بسیار بر مذهب است. این تأکید، از دو جنبه قابل طرح است: اول از نظر محتوی؛ و دوم از نظر نمادها و زبان مورد استفاده؛  
 - عنصر سادگی: ساده کردن و تصریح و فهم واقعیت‌های مبهم و پیچیده (امام خمینی (ره)، ج ۳، ۱۳۷۸: ۳۳۲)؛

- ابهام‌آمیزی و رازآلودگی: اهداف نهایی عینی و ملموس حرکت را به‌طور کامل مشخص شرح ندادند؛  
 - تحقیر موانع بسیج: قابل حل جلوه‌دادن مشکلات و موانع یکی از شیوه‌های امام (ره) برای ایجاد انگیزه در حرکت مردمی بوده است (همان، ج ۳: ۴۶۵)؛  
 - حتمیت پیروزی و تعبیر مثبت از وخیم‌ترین حوادث: ایجاد باور به پیروزی و دست یافتنی نمایاندن هدف، لازمه دیگر حرکت است (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۶۱، ۱۵۶، ۱۵۳).

### ۱-۲ امام خمینی (ره) و بسیج‌گری توده‌های مردمی

امام به هنگام وقوع انقلاب توانست با بسیج عمومی گسترده، گروه‌های مختلف مردم (شامل توده‌ها و نخبگان) را به صحنه بیاورد. انقلاب اسلامی از نظر میزان نخبگان و توده‌های شرکت‌کننده در میان انقلاب‌های معاصر بی‌نظیر است. به‌جز وابستگان به رژیم سابق که در مقابل انقلاب قرار داشتند، تقریباً همه‌ی اقشار و افراد در صحنه حاضر شدند و فرمان امام (ره) را پذیرا شدند. اعتماد مردم به امام خمینی (ره) و روش‌های ایشان در رهبری و همچنین تبدیل مساجد و تکایا به مراکز آغاز تظاهرات و نقش گروه‌های روحانیت در سراسر کشور که به نقش امام (ره) در رهبری انقلاب مبتنی بودند، حرکتی بسیار گسترده و توانا ایجاد کرد که رژیم شاه و حامیان خارجی آنرا غافلگیر و از انجام هرگونه عکس‌العمل بازدارنده ناتوان کرد (ملکوتیان، ۱۳۸۹: ۲۹۶).

### ۱-۲-۱ جذب و سازماندهی مردمی

امام همواره در تلاش بودند تا انسجام و هماهنگی کاملی میان نیروهای انقلابی به وجود بیاید. امام(ره) همواره به نقش روحانیون به عنوان قشری که به جذب و سازماندهی مردمی در تلاش است اشاره داشتند. ایشان تأکید زیادی بر ایجاد تشکیلات منظم و منسجم داشته و در این خصوص راهبردهای عملی ارائه می‌دادند. امام(ره) بر اساس مکتب اسلام هسته اولیه قیام را به وجود آوردند. نیروهای تربیت شده امام(ره) برای تحقق آرمان‌های امام(ره) که همان اجرای اسلام ناب محمدی(ص) بود آماده و فعال بودند (دهقان، ۱۳۸۲: ۱۵۹).

تلاش‌های امام خمینی(ره) رهبر انقلاب اسلامی در گزینش روش‌های مبارزه نیز دقیق بود. ایشان در هر مرحله انقلاب با توجه به شرایط موجود، راهبردها و تاکتیک‌هایی را برگزید که در صورتی که غیر از آنها انتخاب می‌شد، وقوع و پیروزی سریع انقلاب اسلامی غیرممکن بود. از جمله انتخاب راهبرد تربیت نیروهای انقلابی در سال‌های پیش از وقوع انقلاب و راهبرد مبارزه منفی یعنی بهره‌گیری از همایش-های میلیونی و اعتصاب سراسری و راهبرد عدم‌درگیری با نیروهای مسلح به هنگام وقوع انقلاب (احمدعلی خسروی، ۱۳۷۹).

«...حالا که ایران قیام کرده است ... باید نظام داشته باشد، بی‌نظام نباید باشد. روابط باید باشد بین حوزه قم، حوزه تهران و همه شهرستان‌ها روابط می‌خواهد سازمان باید بدهید به این قیام متفرقات نباشد سازمان داشته باشد که اگر یک روزی قم ایستاد، تمام ملت بایستد، متفرق نباشد، جناح‌ها همه با هم بشوند (امام خمینی(ره)، ج ۱: ۱۳۶۹، ۱۳۱، ۱۳۰).

امام(ره) در ایجاد ارتباط با اقشار و توده‌های مردم، نبوغی خاص داشت که از کمتر کسی مشاهده شده است. او با کلامی بسیار ساده و قابل درک برای همه، حتی بی‌سوادترین مردم، پیچیده‌ترین مسایل سیاسی-اجتماعی را مطرح می‌کرد و با بیان خود در اعماق قلوب انسان‌های معتقد و مؤمن نفوذ می‌نمود. باید در نظر داشت که شیوهی رهبری و مبارزه امام(ره) در انقلاب اسلامی، نتیجه یک سنت تاریخی طولانی که از صدر اسلام آغاز شده بود، می‌باشد (محمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

روحانیت شیعه که با نهضت اسلامی امام خمینی(ره) همراهی کردند، «گروه واسط» میان رهبر انقلاب و توده‌های مردم به‌شمار می‌آیند. در جریان نهضت اسلامی مردم ایران، «رهبر بسیج‌گر» و در مرتبه‌ی پس از ایشان «طبقه روحانیت»، معرفت و دریافت خود را از وجود تضاد ساختاری و ناسازگاری میان نظم اجتماعی سکولار و نظم اجتماعی اسلامی به تدریج و به واسطه ابزارهای مختلف (بیانیه، تظاهرات، تحصن، سخنرانی در مساجد و تکایا در مناسبت‌های اسلامی، انتشار نشریه‌های مذهبی و ...) به توده‌ای مردم منتقل کردند (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۱۴۵، ۱۴۶).

رهبر به‌عنوان مدیر و معمار انقلاب وظیفه اداره انقلاب و نهادینه کردن آن و کنترل وضعیت انقلابی را بر عهده دارد. در انقلاب اسلامی ایران نیز امام(ره)، هم آرمان‌ها و خط‌مشی انقلاب را نهادینه و جمهوریت و اسلامیت را مطابق خواست مردم در تمام ارکان و اجزای جامعه محقق کردند و هم با مهار مخالفت‌ها و تهدیدها زمینه‌ی تشکیل و تداوم حکومت اسلامی را فراهم کردند (احمدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

## ۲. نقش توده‌های مردمی به‌عنوان کارگزاران اجتماعی انقلاب اسلامی

امام خمینی(ره) از مردم عادی یا توده‌ی مردم که فاقد تشکیلات و غالباً از قشر محروم و مادون متوسط بودند به‌عنوان طبقه مستضعف و محروم یاد می‌کند که نقش عمده و غالب را در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا نمودند. از نظر امام(ره) انقلاب متکی به قشر خاصی نبود؛ اما از نظر امام(ره) نقش عمده را در میان «توده ملت» همانا طبقه مستضعف، مستمندان، فقرا، زاغه‌نشینان، حاشیه‌نشینان و محرومان و یا طبقه سه و به تعبیر ایشان «طبقه اعلاء» به‌عهده داشتند، همان‌طور که مستضعفان مؤمن در طول تاریخ نیز دنباله‌رو علماء و اولیاء و انبیاء در زمره حزب‌الله به‌شمار می‌آمدند. بنابراین از نظر امام(ره) طبقات بالا در پیروزی انقلاب نقشی نداشتند و خاستگاه انقلاب بیشتر طبقه محروم و گودنشین و زاغه‌نشینان و مردم پابره‌نه بودند که با اتکال به خدای تعالی نهضت را پیش بردند و سهم عمده‌ای در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا نمودند(دهشیری، ۱۳۸۰: ۶۰).

امام خمینی(ره) با آگاه‌کردن توده‌های مردم و با بهره‌گیری از دو عنصر امر به معرف و نهی از منکر و تکلیف الهی، یکه و تنها مبارزه با دشمنان و راه‌های هدایت الهی و دینی را به مردم ایران گوشزد کرد و با بیان و کلام خویش دعوت و قیام خویش را در میان آحاد مردم گسترش داد (شیدائیان، ۱۳۸۵: ۱۲۲). علت گرایش مردم به امام خمینی(ره) اولاً و بالذات، معطوف به «فرهنگ و تفکر اسلامی - شیعی» بود (پارسا، ۱۳۸۶: ۷۳).

می‌توان گفت مردم آن چنان آرمان‌ها و اهداف خود را در نظر و عمل امام خمینی(ره) متبلور دیدند که نوعی پیوستگی و وحدت میان «امام» و «امت» شکل گرفت از این رو، امام(ره) در فرایندی کاملاً طبیعی، خودجوش و مردمی در جایگاه رهبری نهضت و انقلاب مردم ایران قرا گرفت. همچنین امام(ره) در مقام مرجعیت قرار داشت که در فرهنگ شیعی، عالی‌ترین مرتبه دینی پس از امام معصوم(ع) قلمداد می‌شود. بنابراین تأثیر سخن و حرکت یک مرجع تقلید در میان توده‌های مردم، بسیار شگرف و عمیق بود. اما از جمله عواملی که باعث نفوذ اجتماعی گسترده و توان بالای بسیج مردمی برخوردار بودند عبارتند از ۱- قداست و حرمت معنوی و مذهبی، به‌دلیل قرار داشتن در مقام نیابت امام غایب(عج)؛ ۲- مرجعیت فکری و رفتاری توده‌های مردم از نظر بیان تعالیم و احکام دین؛ ۳- برخورداری از فضایل اخلاقی از جمله ساده‌زیستی، پارسایی، زهد و اخلاص؛ ۴- استقلال از حاکمیت‌های سیاسی؛ ۵- برقراری و ارتباط تنگاتنگ و مستمر با مردم؛ ۶- برخورداری از شبکه گسترده نیروی انسانی در سراسر کشور و ۷- وجود ساختارهای زمانی و مکانی ارتباط‌زا و اجتماع آفرین در فرهنگ اسلامی-شیعی از قبیل مساجد، حسینیه‌ها، اعیاد و عزاداری‌های مذهبی(کشاورزشکری و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۱، ۷۲).

## ۱-۲ ویژگی‌های توده‌ها

### ۱-۱-۲ ایمان به خدا

حضرت امام(ره) بر ایمان به خدا و تکیه بر قدرت لایزال الهی به عنوان قدرت معنوی نهضت تأکید داشتند و معتقد بودند که «منبع قدرت ملت ایران اتکال به خداوند است» (امام خمینی(ره)، نور، ۱۳۶۹، ج ۱۹، ۱۷، ۱۲: ۴۰، ۳، ۶۸).

«امام(ره) معتقد بودند که قیام ملت ایران برای خدا و با پشتوانه الهی بود و حفظ عنایت خدا منشأ تمام پیروزی‌هاست. از این رو حضرت امام(ره) اتکال به قدرت لایزال و ذات مقدس حق، هجرت از نفس به حق و از دنیا به عالم غیب و گسستن از خود و پیوستن به خدا را رمز پیروزی نهضت می‌دانستند و بر این باور بودند که «پیروزی را شمشیر نمی‌آورد، پیروزی را خون و قدرت ایمان می‌آورد» (همان، ج ۱۶، ۱۷، ۴: ۴۹، ۷۳، ۷۲).

### ۲-۱-۲ ایثار و شهادت

ایثار، فداکاری، از خودگذشتگی و پایداری در رأس ارزش‌های مورد توجه امام(ره) قرار داشت. نهضت عاشورا در ایجاد روحیه شهادت‌طلبی در مردم نقش بسزایی داشته است به لحاظ تاریخی سمبل شهادت-طلبی را در زندگانی و شهادت مظلومانه امام حسین(ع) پیشوای سوم شیعیان می‌توان یافت. امام خمینی(ره) پس از شهادت طلاب مدرسه فیضیه و مدرسه طالبیه تبریز معتقد بودند «بایستی راه را ادامه داد؛ چرا که معتقد به احدی الحسنین هستیم؛ یا پیروزی و یا شهادت، و به طور صریح اعلام می‌کند که ما تکلیف الهی خود را انشاءالله ادا خواهیم کرد و به احدی الحسنین نایل خواهیم شد» (امام خمینی(ره)، ج ۱، ۱۳۶۹: ۴۳، ۶۹).

امام خمینی(ره) شهادت را مظهر ایمان به غیب و عالم ماوراء الطبیعه و هدیه الهی مبتنی بر اعتقاد به توحید و یکتاپرستی می‌دانستند. با عنایت به اعتقاد به علت‌العلل است که فرد شهادت‌طلب به رضای الهی خشنود است و تقدیر و مشیت خداوندی را پذیراست و او را در سرنوشت خویش مؤثر می‌داند (دهشیری، ۱۳۸۰: ۱۱۳). امام(ره) شهادت را مظهر بردباری و نیل به مقام صبر که از مراتب عالیه ایمان است تلقی نموده و این روحیه عدم شکست روحی و در نهایت پیروزی خون بر شمشیر می‌دانستند (همان، ۱۱۳).

### ۳-۱-۲ صبر و استقامت

استقامت امام(ره) مصداق بارز آیه شریفه الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا بودند و لحظه‌ای در برابر سختی‌ها و شاید اظهار عجز نکردند و با صراحت فرمودند «اگر بندید استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده‌زنده در شعله‌های آتش ما را بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستیمان را در جلو دیدگانمان به اسارت و غارت برند، هرگز امان‌نامه کفر و شرک را امضاء نمی‌کنیم» (امام خمینی(ره)، ۱۳۷۲: ۲۷).

«گرچه ملت غیور ایران با فداکاری عظیم خویش و تسلیم قریب پانزده هزار شهید به درگاه خداوند متعال، به ظاهر سرکوب شد و دژخیمان رژیم جنایتکار پهلوی، ننگی ابدی بر ننگ‌های پنجاه ساله خود افزودند... (امام خمینی(ره)، ج ۱۴، ۱۳۶۹: ۱۶۳).

#### ۴-۱-۲ وحدت امت

امام خمینی(ره) درباره‌ی وحدت مردم می‌فرماید:

«نهضت عظیم کنونی ملت ما علیه شاه و نظام سلطنتی است، بنابراین در جهت سرنگونی این رژیم ایجاد وحدت کلمه در میان همه اقشار جامعه است...» (همان، ج ۲: ۲۵۸).

حضرت امام(ره) اتحاد و یکپارچگی، اتفاق آراء و توجه یکپارچه مردم به شکست طاغوت و وحدت براساس اعتصام به حبل‌الله را عامل استمرار حضور یکپارچه مردم در صحنه و دخالت آنان در سیاست می‌دانستند و معتقد بودند که بسیج توده‌ها، یکپارچگی و همبستگی اقشار به یکدیگر و حضور آنان در جریان انقلاب و مبارزه با عزم و اراده‌ای پولادین عامل عمده پیروزی نهضت و تعیین مقدرات کشور به دست خود مردم به حساب می‌آید که در این رابطه وحدت توده ملت با نیروی نظامی و پیوند ارتش، ژاندارمری و شهربانی با ملت از مصادیق وحدت کلمه و ضامن پیروزی نهضت به‌شمار می‌آید (همان، ج ۸، ۱۱، ۱۵: ۱۰۷، ۷۴، ۱۹۰، ۱۵۵).

#### ۲-۲-۱ ابزارهای بسیج توده‌ها

##### ۱-۲-۲ اجتماعات در مساجد

مساجد از دیرزمان نقش حساس و مهم در مبارزات بر علیه سیستم‌های جائر حاکم و نیز بر علیه نفوذ بیگانگان داشته‌اند و در واقع مکانی برای گردهمایی، تبادل افکار و اطلاعات و فعالیت‌های اجتماعی بوده است. امام(ره) اجتماعات در مساجد حسینیه‌ها تکاپا و غیره را راه‌حلی برای ارائه تعلیمات و تبلیغات اجتماعی که موجب آگاهی در بین توده مردم می‌شود، می‌داند و تبلیغات و تعلیمات را دو فعالیت مهم و اساسی و به‌نوعی وظیفه افراد می‌داند. امام(ره) با اهمیت دادن به مراسم و شعائر مذهبی و با بیان این‌که روحانیون با ارائه خطابه به بیان وضعیت جامعه و مصیبت‌های جامعه و برملاکردن نقشه‌های شوم استعمارگران بپردازند، همواره به‌دنبال رفع ظلم بودند و اجتماعات را وسیله‌ای برای بیداری و بسیج توده‌های مردمی می‌دانستند.

«اولین فعالیت ما در این راه، تبلیغات تشکیل می‌دهد. بایستی از راه تبلیغات پیش بیایم... همیشه از اول قشون و قدرتی در کار نبوده است و فقط از راه تبلیغات پیش می‌رفته‌اند. قلدری و زورگویی‌ها را محکوم می‌کردند و ملت را آگاه می‌ساختند و به مردم می‌فهماندند که این قلدری غلط است. کم‌کم دامنه‌ی تبلیغات توسعه می‌یافت و همه گروه‌های جامعه را فرا می‌گرفت. مردم بیدار و فعال می‌شدند و به نتیجه می‌رسیدند» (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۷: ۱۷۲).

«تبلیغات و تعلیمات دو فعالیت مهم و اساسی ما است. وظیفه فقهاست که عقاید و احکام و نظامات اسلام را تبلیغ کنند و به مردم تعلیم دهند تا زمینه برای اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام در جامعه فراهم شود» (امام خمینی(ره)، همان: ۱۷۳).

«...اجتماعات خود را خصوصاً در روز جمعه هر چه بیشتر فشرده‌تر کنید و به مراسم و شعائر مذهبی اهمیت دهید و در مقابل زورگویی‌ها و قانون‌شکنی‌ها ساکت ننشینید و با کمال آرامش خلاف‌کاری‌های دستگاه جبار را به ملت ایران و ملل مسلمین گوشزد کنید و از خداوند تعالی به وسیله ولی عصر(عج) استمداد نمایید تا دولت‌های جبار نتوانند برخلاف اسلام و قوانین قرآن قدمی بردارند»(خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۰۱).

### ۲-۲-۲ تظاهرات

امام به تظاهرات به‌عنوان راه حلی برای حل مسائل و مشکلات موجود اعتقاد داشتند و اینکه با انجام تظاهرات بدون اینکه جنبش مسلحانه صورت بگیرد زمینه‌های سرنگونی رژیم کم‌کم شکل می‌گیرد. در حقیقت امام تظاهرات را یک فرآیند علیه شاه می‌دانست. امام تظاهرات را وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف حقیقی نهضت و سرنگونی رژیم و برپایی حکومت اسلامی می‌دانستند.

«انقلاب ایران یک نهضت اسلامی است که ادامه دارد و با رفتن شاه نیز ادامه خواهد داشت. اصولاً حکومت مشروطه سلطنتی مورد تنفر شدید مردم است. از هر طرفی شاه محال است به مردم ستم‌دیده ایران آزادی دهد. آیا تظاهرات و اعتصابات سراسر ایران، فرآیندی علیه شاه نیست؟»(همان، ج ۳: ۵۰).

### ۲-۲-۳ اعتصابات

امام در برابر صحنه‌سازی‌های مبتذل و اغفال‌کننده دست‌اندرکاران رژیم شاه در مجالس و تیرته‌کردن خود و خیانت به مردم اعتصاب را پیشنهاد می‌کند.

«همه ایرانی‌ها الان صدایشان درآمده، الان سرتاسر ایران اعتصاب است، اگر این حکومت نظامی و نظام را بردارند، مردم این دستگاه را به قدر یک ساعت می‌پیچندش به هم و همه پیروز می‌شوند، برای اینکه بد دیدند از اینها»(همان، ج ۲: ۱۴۹).

از نظر امام خمینی(ره) تظاهرات، اعتصابات و سایر اشکال اعتراضات اجتماعی، نه تنها ارزش تبلیغی دارند، بلکه در دولت استبدادی نیز نفوذ می‌کنند و اگر همه‌ی مردم به اقدامات دولت اعتراض کنند، آن‌ها دست‌نگه می‌دارند(اخوان‌مفرد، ۱۳۸۰: ۵۶).

### نتیجه‌گیری

در پایان بحث و با توجه به مباحث پیش گفته به ارائه‌ی مدل نظری انقلاب اسلامی در اندیشه‌های امام خمینی(ره) پرداخته می‌شود. می‌توان در این مدل دو گونه علل ساختاری و کارگزاری را تشخیص داد. در زمره علل ساختاری، سه دسته علل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قرار می‌گیرند. امام خمینی(ره) در بحث علل فرهنگی، تغییر و تحول ساختارهای فرهنگی را پایه و مبنای هر تحولی برمی‌شمارد. امام(ره) در این راستا و برای گسترش فرهنگ جایگزین فرهنگ حکومتی، به دنبال اصلاحات است و سرآغاز این اصلاحات را از مراکز آموزشی و مدارس و دانشگاه‌ها می‌داند. امام(ره) بر این عقیده بودند که باید با نشر کتب اسلامی اذهان جامعه و در واقع گرایش به سوی فرهنگ اسلامی را تغییر داد. امام عموم مردم را به مقابله با انحرافات ناشی از نفوذ فرهنگ استعماری و وابسته حاکم بر جامعه فرا می‌خواند و از بین بردن

مراکز فرهنگ استعماری و قطع وابستگی را خواستار می‌شوند. در حقیقت امام درصدد تربیت صحیح اسلامی افراد جامعه می‌باشند. از نظر امام(ره) با بیداری ملت هویت جدیدی با ارزش‌ها و باورهای جدید مبتنی بر فرهنگ اسلامی ایجاد می‌شود و زمینه برای ایجاد آگاهی انقلابی فراهم می‌شود.

از جمله علل اجتماعی انقلاب از دیدگاه امام(ره) می‌توان به نبود خدمات اجتماعی، فقر و محرومیت و وابستگی به بیگانه اشاره کرد که این همه باعث افزایش نارضایتی اجتماعی می‌شد. همچنین رژیم با وارد کردن کالاهای تجملی و ترویج فرهنگ بیگانه خانوارها را مصرفی بار آورد و به نابه‌سامانی‌های اجتماعی دامن می‌زد. امام به دنبال از بین بردن محرومیت و دفع مفاسد جامعه و برقراری عدالت و استقلال در تمامی ابعاد بودند. از نظر امام خمینی(ره) علل سیاسی انقلاب اسلامی شامل خودکامگی، قانون‌ستیزی، نبود آزادی‌های سیاسی و وابستگی نظام سیاسی به بیگانگان بود که این عوامل زمینه‌ساز قیام علیه استبداد حکومتی و استعمار امپریالیستی را فراهم می‌آورد.

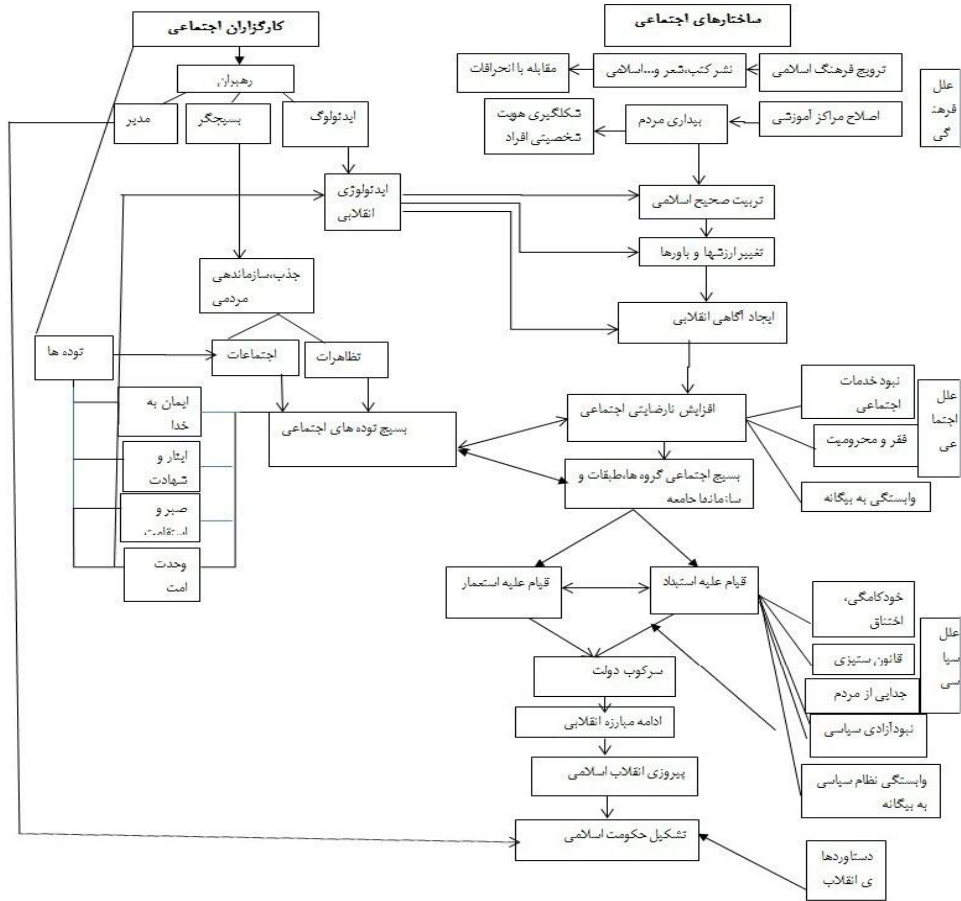
از نظر امام خمینی(ره) همه این عوامل ساختاری در تلاقی با عوامل کارگزاری به بسیج اجتماعی گروه‌ها، طبقات و سازمان‌ها جامعه منجر شد که در واقع بر علیه اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه قیام کردند. عوامل کارگزاری در دیدگاه امام(ره) شامل دو عامل رهبران و توده‌ها است. امام خمینی(ره) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی دارای سه ویژگی به‌عنوان رهبر ایدئولوگ، رهبر بسیج‌گر و رهبر مدیر بودند. ایشان با ارائه ایدئولوژی انقلابی اسلامی و در حقیقت معرفی اسلام راستین به افراد جامعه زمینه، خودآگاهی الهی و تحقق اندیشه‌های اسلامی را فراهم آوردند که درصدد تربیت انسان به شیوه‌ی صحیح اسلامی است. این ایدئولوژی در تغییر باورها و ارزش‌ها و همسو کردن افکار مردم با اسلام اصیل و مسیر انقلاب نقش بسزایی داشته و آگاهی انقلابی را همگانی کرد.

اما نقش دوم نقش بسیج‌گری بود. امام به‌عنوان رهبری بسیج‌گر درصدد جذب اقشار مختلف جامعه خصوصاً جوانان و سازماندهی آنها بودند که به بسیج تقریباً همگانی جامعه بر ضد رژیم ختم شد. اما این جذب و سازماندهی در مساجد، تکایا، حسینیه‌ها و در ماه‌های محرم و رمضان پررنگ‌تر بود. اما نقش مدیر شامل توانایی‌های مدیریتی امام خمینی(ره) در دو حوزه مدیریت فرآیند انقلابی و مدیریت جامعه پسا انقلابی می‌شد. اما در خصوص نقش توده‌ها، از نظر امام(ره) توده‌ها به‌واسطه ایمان داشتن به خدا و اعتقاد به اسلام اصیل و تعهد به آن توانستند در جهت تحقق آرمان‌های انقلاب قیام کنند.

در نهایت تلاقی این عوامل ساختاری و کارگزاری در برهه‌ای خاص از تاریخ باعث پیروزی انقلاب اسلامی و به‌وجود آمدن حکومت اسلامی شد.



### مدل نظری علل انقلاب اسلامی در اندیشه های امام خمینی(ره)



## منابع

- احمدی، حسین و جوان، مصطفی (۱۳۸۹)، «رهبری امام خمینی در فرایند انقلاب اسلامی ایران»، مطالعات بسیج. سال ۱۳ شماره ۴۶.
- اخوان مفرد، حمید (۱۳۸۰)، «ایدئولوژی انقلابی امام خمینی (ره) احیای تشیع»، قیسات، شماره ۲۲.
- اخوان مفرد، حمیدرضا (۱۳۸۱)، *ایدئولوژی انقلاب ایران*، تهران: عروج.
- اسماعیلی جوشقانی، محمد (بی تا)، «ویژگی های رهبری امام خمینی (ره)»، پژوهش های مدیریت راهبردی بصیرت، شماره ۱۹، ۲۰.
- اکبرزاده، فریدون (۱۳۸۰)، *نقش رهبری در نهضت مشروطه-نهضت ملی نفت و انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ایمان پور، عباس (۱۳۸۷)، *انقلاب اسلامی چالشی بر نظریه های انقلاب*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- باوند، نعمت الله (۱۳۷۸)، *درآمدی بر نظریه انقلاب اسلامی*، تهران: دانش و اندیشه معاصر.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- بی نا (۱۳۶۱)، *در جستجوی راه از کلام امام*، تهران: امیر کبیر.
- پارسانیا، حمید (۱۳۸۶)، *هفت موج اصلاحات: نسبت تئوری و عمل*، قم: بوستان کتاب.
- پارسا نیا، حمید (۱۳۷۹)، *حدیث پیمانه: پژوهشی در انقلاب اسلامی*، قم: معارف.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۹)، *نظریه های انقلاب: وقوع، فرآیند و پیامدها*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- تبیان دفتر بیستم (۱۳۷۸)، *تاریخ معاصر از دیدگاه امام خمینی (ره)*، تهران: نشر آثار امام خمینی (ره) عروج.
- دفتر چهل و پنجم (۱۳۸۶)، *حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی (ره)*، تهران: نشر آثار امام خمینی (ره) عروج.
- دفتر بیست و نهم (۱۳۸۶)، *بسیج در اندیشه امام خمینی (ره)*، تهران: نشر آثار امام خمینی (ره) عروج چاپ چهارم.
- دفتر پانزدهم (۱۳۸۶)، *وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره)*، تهران: نشر آثار امام خمینی (ره) عروج، دفتر پانزدهم.
- جمشیدی، مهدی (۱۳۹۰)، *بنیادهای اجتماعی وقوع انقلاب اسلامی در نظریه علامه مرتضی مطهری (ره)*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- حاضری، علی محمد (۱۳۸۰)، *انقلاب و اندیشه*، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- حسینی، حسین (۱۳۸۱)، *رهبری و انقلاب*، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی (ره).
- حیدری، حمید (۱۳۷۸)، «آزادی در اندیشه حضرت امام خمینی (ره)»، متین، شماره ۲.
- خسروی، احمدعلی (۱۳۷۹)، *بررسی استراتژی امام خمینی (ره) در رهبری انقلاب اسلامی ۱۳۵۷-۱۳۶۳*، قم: نشر پیک ولایت.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۷)، *ولایت فقیه*، تهران: امیرکبیر.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۹)، *صحیفه نور*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب. ۲۲ جلدی.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب. ۲۲ جلدی.

- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۳)، *شئون و اختیارات ولی فقیه*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ۱۶: ۴-۱.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۰)، *درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی(ره)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دهقان، حمید (۱۳۸۲)، *انقلاب اسلامی(نقطه عطفی در تاریخ)*، قم: انتشارات مدین.
- رایت، رایین (۱۳۸۲)، *آخرین انقلاب بزرگ: انقلاب و تحول در ایران*، ترجمه احمد تدین و شهین احمدی، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- سالاروند، امیر (۱۳۹۱)، *گفتمان مبارزه در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) رویکردی به اصول و شیوه‌های مبارزاتی*، قم: دفتر نشر معارف.
- شیدائیان، حسین (۱۳۸۵)، «جلوه‌های سیره نبوی در رهبری انقلاب اسلامی»، پیام، شماره ۷۹.
- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۸۰)، «نظریه انقلاب در اندیشه امام خمینی(ره)»، مجله علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۶.
- فلاحی، اکبر (۱۳۸۵)، *سال‌های تبعید امام خمینی(ره)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قائدان، اصغر (۱۳۸۵)، «مدیریت و رهبری پیامبر(ص) در عرصه‌های نظامی»، مطالعات بسیج، شماره ۲۱.
- کشاورزشکری، عباس، غفاری، زاهد و جمشیدی، مهدی (۱۳۹۱)، «ماهیت رهبری امام خمینی(ره) در نظریه علامه شهید مطهری(ره)»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم شماره ۲۹.
- محبوبی‌منش، حسین (۱۳۸۰)، «امام(ره)، فرهنگ و اصلاحات بررسی جامعه‌شناختی دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) درباره فرهنگ»، دانش انتظامی، شماره ۳ یا ۱۰.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۱)، *انقلاب اسلامی: زمینه‌ها و پیامدها*، قم: دفتر نشر معارف.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۴)، *انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه*، ناشر مؤلف.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، تهران: صدرا.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۹)، «ایدئولوژی و رهبری و تأثیر آن بر پیروزی سریع، ثبات پایدار و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰: ۲، ۲۸۷-۳۰۵.
- میرسندسی، محمد (۱۳۸۱)، *گفتارهای اندیشه اجتماعی امام خمینی(ره) (باتأکید بر عدالت و توسعه)*، تهران: دانشگاه امام حسین(ع).
- نبوی، سیدعبدالامیر (۱۳۷۷)، «تطور اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)»، فصل‌نامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، عو ۷.
- یزدانی، عنایت‌الله (۱۳۷۶)، «بعاد و زمینه‌های تهاجم فرهنگی در اندیشه امام خمینی(ره)»، دانشگاه اسلامی، شماره سوم.